گزارش

وعده‌های شیخ احمد به ورزش ایران

● **شرق:** حضور شیخ احمد الفهد، رئیس شورای المپیک آسیا در تهران فرصتی بود تا مسئولان ارشد ورزش کشور مطالبات خود را از بالاترین مقام ورزشی قاره طلب کنند. شیخ احمد در این سفر دو روزه هم با وزیر ورزش و رئیس کمیته ملی المپیک دیدار کرد و هم از نزدیک پای صحبت‌های رؤسای فدراسیون‌های ورزشی نشست. مهم‌ترین محورهای نشست رئیس شورای المپیک آسیا با رؤسای ورزش ایران بر سر رشته‌های فوتبال، کشتی، وزنه‌برداری و حوزه زنان بود که او قول مساعد داد تا خیلی زود نسبت به رفع موانع و مشکلات پیش‌روی این رشته‌ها اقدام کند.

حل مشکل بازی در زمین بی‌طرف

فوتبال ایران مدت‌هاست به دلیل تیرگی روابط سیاسی ایران با عربستان، رقابت‌های خود را در لیگ قهرمانان آسیا در زمین بی‌طرف برگزار می‌کند و مهدی تاج، رئیس این فدراسیون از شیخ احمد خواست این مشکل را برطرف کند. او دراین‌باره گفت: «درخصوص رفع این مشکل از کنفدراسیون فوتبال آسیا، پیگیری لازم را انجام خواهم داد. شرایطی را فراهم خواهیم کرد تا با فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) ارتباط بیشتری داشته باشید. امیدوارم مشکل بازی‌های رفت و برگشت شما حل شود و من دراین‌باره با شیخ سلمان، رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا صحبت می‌کنم».

جلوگیری از کاهش سهمیه‌های وزنه‌برداری در المپیک

مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش و جوانان در پی تصمیم اخیر فدراسیون جهانی وزنه‌برداری که سهمیه‌های این رشته را برای بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو کم کرده، با شیخ احمد مذاکره کرد. در پی این تصمیم که در جهت مبارزه با دوپینگ گرفته شده، سلطانی‌فر درباره مذاکراتش با رئیس شورای المپیک آسیا گفت: «درباره رشته‌های مختلف از جمله کاهش سهمیه وزنه‌برداری ایران بحث کردیم. در پنج سال اخیر مورد دوپینگی نداشته‌ایم و این کاهش سهمیه را ناعادلانه می‌دانیم و رئیس شورای المپیک آسیا نیز این اعتقاد را داشت که کاهش سهمیه ایران موجب کاهش کیفیت سطح رقابت‌ها در المپیک شد. شیخ احمد قول داد با ارتباطی که دارند در ارتباط با ریاست فدراسیون جهانی پیگیر این موضوع باشند و این مسئله حل شود».

مذاکره برای رویارونشدن با اسرائیلی‌ها

فدراسیون کشتی ایران این روزها به دلیل رویارونشدن کشتی‌گیران کشورمان با اسرائیلی‌ها زیر ذره‌بین کمیته بین‌المللی المپیک است و به تعلیق تهدید شده است. به همین دلیل رضا صالحی‌امیری، رئیس کمیته ملی المپیک از شیخ احمد خواست تا ایران را در این زمینه کمک کنند. صالحی‌امیری به خبرنگاران گفت: «راجع به کشتی هم صحبت شد اما بگذارید زمانی که به نتیجه رسیدیم، آن را رسانه‌ای کنیم. چیزی که مهم است این است که مطمئن باشید وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک تمام توان خود را گذاشته‌اند تا از کشتی حمایت کنند. البته مذاکرات باید در فضایی آرام و مناسب باشد و رسانه‌ای‌کردن موارد سودی به کشتی نمی‌رساند. بازگشت خادم به کشتی آرامش را به این رشته بازگردانده است. ظرفیت کشتی ما بالاست. قطعا همه نهادها تلاش خواهند کرد تا حمایت حداکثری از کشتی داشته باشیم تا آسیبی نبیند و همانند گذشته در آسیا و جهان بدرخشد».

تلاش برای حضور بیشتر زنان ورزشکار مسلمان در میادین

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور نیز روز گذشته با رئیس شورای المپیک آسیا دیدار کرد. جهانگیری نیز از او در خواست کرد تا شرایطی فراهم کند که بانوان ورزشکار مسلمان و محجبه بیشتر از الان در میادین حضور داشته باشند.او اهمیت ورزش بانوان و فراهم‌شدن شرایط برای حضور بیشتر ورزشکار زن مسلمان در مجامع ورزشی را خاطرنشان کرد و گفت: «جمعیت مسلمان قاره آسیا قابل توجه است و باید برای حضور مؤثرتر و گسترده‌تر زنان ورزشکار در مسابقات ورزشی تمهیدات لازم را فراهم کرد».معاون اول رئیس‌جمهوری ضمن ابراز امیدواری برای حضور تعداد بیشتری از مدیران و کارشناسان ایرانی در شورای المپیک آسیا تصریح کرد: «سفر رئیس شورای المپیک آسیایی به تهران می‌تواند راهکارهای توسعه مناسبات در زمینه‌های موردعلاقه طرفین را فراهم کند».شیخ احمد نیز در پی صحبت‌هایش با جهانگیری در نشستی که با رؤسای فدراسیون‌های ورزشی داشت، به فدراسیون اسلامی ورزش زنان که درحال‌حاضر منحل است و هیچ فعالیتی ندارد، اشاره کرد: «قبلا فدراسیون ورزش زنان مسلمان با همکاری خانم فائزه هاشمی و هاشمی‌طبا افتتاح شده بود. الان در بازی‌های آسیایی همه کشورها با حضور زنان شرکت می‌کنند و حتی عربستان هم زنان خود را اعزام می‌کند. در تمامی رشته‌ها زنان می‌توانند با حجاب حاضر شوند که آخرین مسئله مربوط به بسکتبال بود و حل شد. من هم امیدوارم که تلاش کنیم تا مدال‌های بیشتری برای زنان در نظر گرفته شود. من کسی هستم که در مراسم افتتاح این آکادمی بودم. بعد از این افتتاح بود که شما به مدال‌های مختلفی رسیدید و سطح خود را بالا بردید. حتی از کشورهایی مثل افغانستان هم در این مرکز تمرین می‌کنند».

فینال جام حذفی، قربانی روز پایانی لیگ آزادگان

مالک خونه‌به‌خونه، نساجی را به تبانی متهم کرد

همان‌طور که انتظار می‌رفت، لیگ آزادگان با حرف و حدیث به پایان رسید. لیگ دسته اول یکشنبه با صعود نساجی مازندران و نفت مسجدسلیمان به لیگ برتر و ناکامی خونه‌به‌خونه دنبال شد. در پایان مسابقات دو تیم مازندرانی خونه‌به‌خونه و نساجی هم امتیاز شدند. نساجی که در بازی آخر خود ۶-صفر راه‌آهن را شکست داده بود، به لطف تفاضل گل بهتر در برابر خونه‌به‌خونه صعود کرد. همان یکشنبه مشخص بود برد ۶-صفر نساجی مقابل راه‌آهن بدون حرف و حدیث نخواهد شد؛ به‌ویژه اینکه گل اول نساجی یک پنالتی بحث‌برانگیز بود. مالک خونه‌به‌خونه شدیدا از اتفاقات روز پایانی عصبانی است. او به‌شدت تاکید دارد اتفاقات خارج از خانه، خونه‌به‌خونه را از رسیدن به لیگ برتر محروم کرده است. قاسم حسن‌زاده در تصمیمی عجیب نامه انصراف از حضور در جام حذفی را هم نوشته است. او از همان زمانی که سوت پایان بازی‌های هفته آخر زده شد، گفت که اتفاقات خارج از زمین تیم‌های صعودکننده را مشخص کرد و عنوان کرد بعدا دراین‌باره بیشتر توضیح می‌دهد. حسن‌زاده دیروز صراحتا از نساجی نام برد. «در بازی راه‌آهن-نساجی تبانی صورت گرفته است؛ حتی در بازی نساجی مقابل صبای قم هم از طریق شرط‌بندی توانستند نتیجه بگیرند. تمام کارشناسان معتقدند دقیقه ۲۸ هیچ اتفاقی صورت نگرفت که داور برای نساجی پنالتی گرفت. من حتی به تاج هم گفتم آقای غیاثی و اصفهانیان می‌خواهند به ضرر ما کار را جلو ببرند. خواهش می‌کنم از داور باتجربه استفاده کنید. همان پنالتی باعث شد تا نساجی به گل‌های بیشتری دست پیدا کند. همه می‌خواستند تا دست در دست هم بدهند تا نساجی به لیگ برتر صعود کند». برد ۶- صفر نساجی در تهران باعث شد این تیم با تفاضل گل بهتر لیگ‌برتری شود و پیروزی ۲-یک خونه‌به‌خونه مقابل برق نوین شیراز دردی از این تیم دوا نکند. دراگان اسکوچیچ، سرمربی خونه‌به‌خونه، هم دیروز از تبانی حرف نزد؛ اما عنوان کرد که اگر خونه‌به‌خونه چند گل به برق شیراز هم می‌زد، فایده نداشت؛ چون در بازی هم‌زمان اتفاقات دیگری رقم می‌خورد.

انصراف خونه‌به‌خونه از فینال جام حذفی

قاسم حسن‌زاده دیروز تصمیمات عجیبی گرفت. مالک باشگاه خونه‌به‌خونه با انتشار نامه‌ای انصراف این تیم را از حضور در جام حذفی اعلام کرد. در بخشی از این نامه آمده است: «اوج بی‌عدالتی و ناپاکی فوتبال را دیدیم و انتظار و اشتیاق یک شهر به سخره گرفته شد؛ بنابراین در اعتراض به این ناعدالتی‌ها و ناپاکی‌ها در فوتبال و تا زمان اتخاذ تصمیم لازم در راستای حراست از اخلاق و منش و مردانگی در فوتبال پاک از حضور در فینال جام حذفی انصراف قطعی خود را اعلام می‌کنیم». مسئولان سازمان لیگ البته هنوز این انصراف را رسمی نمی‌دانند. در صورت انصراف خونه‌به‌خونه، استقلال بدون بازی قهرمان جام حذفی می‌شود. قرار است بازی دو تیم چهارشنبه در خرمشهر برگزار شود. سازمان لیگ دیروز در واکنش به نامه انصراف خونه‌به‌خونه در نامه‌ای به رئیس هیئت فوتبال استان مازندران و باشگاه خونه‌به‌خونه درباره تبعات انصراف از فینال جام حذفی هشدار داد و تاکید کرد که تکلیف این تیم تا امروز صبح مشخص شود. در ضمن در صورت انصراف خونه‌به‌خونه تیم دیگری جانشین این تیم در فینال نخواهد شد. عبداله ویسی، سرمربی استقلال خوزستان، عنوان کرده بود این تیم در نیمه‌نهایی در مقابل خونه‌به‌خونه باید در فینال حاضر شود. برگزارنشدن فینال جام حذفی اتفاق قشنگی نیست و شاید جریمه‌هایی هم برای باشگاه خونه‌به‌خونه در نظر گرفته شود. دراگان اسکوچیچ گفته که برای این بازی آماده است و به نظر می‌رسد مسئولان می‌خواهند مالک خونه‌به‌خونه را راضی کنند تا در بازی فینال شرکت کند. انصراف از تیم‌داری و حضور در لیگ فصل بعد دیگر تصمیم جنجالی حسن‌زاده است. «از همه مردم بابل عذرخواهی می‌کنم. با توجه به حواشی و تبانی‌های صورت‌گرفته سال آینده در فوتبال نخواهیم بود و تیم‌داری نمی‌کنیم، دوست نداریم مردم بابل را بیشتر از این اذیت کنیم تا مردم خونگرم بابل استرس داشته باشند. از فرماندار، از مسئولان استان و هواداران خونه‌به‌خونه کمال تشکر را دارم؛ چراکه تمام تلاششان را کردند تیم به لیگ برتر صعود کند».این تصمیمات مدیریت خونه‌به‌خونه با واکنش منفی برخی رسانه‌ها و مدیران فدراسیون همراه شد.

انگشت اتهام به سمت فدراسیون و نساجی

مالک باشگاه خونه‌به‌خونه مازندران در نامه خود به رئیس فدراسیون، عنوان کرده چندباری درباره مسائل مشکوک لیگ یک هشدار داده بود. حسن‌زاده معتقد است فدراسیون تمایل داشته نساجی صعود کند. او می‌خواهد تحصنی را نیز شکل دهد. حسن‌زاده در گفت‌وگویی که کانال تلگرام باشگاه خونه‌به‌خونه صبح دوشنبه منتشر کرد، گفت: ۵۰ اتوبوس هوادار بابلی خونه‌به‌خونه سه‌شنبه‌شب ۱۱ اردیبهشت جاری، برای تحص برابر محل اقامت نماینده کنفدراسیون فوتبال آسیا (ای‌اف‌سی) به تهران می‌روند؛ «به فدراسیون فوتبال ایران اعتماد نداریم و حق باشگاهم را از کنفدراسیون فوتبال آسیا می‌گیرم. از انتخاب بودار داور کم‌تجربه‌ای مثل حسن اکرامی تا هشدار برای تماس‌هایی که با دروازه‌بان و چند بازیکن راه‌آهن گرفته شده بود، همه را به فدراسیون اطلاع دادیم ولی به‌جای توجه به هشدار ما، فتاحی را به بابل فرستادند که مأموریت خود را به‌خوبی انجام داد و جلوی صعود ما به لیگ برتر را گرفت».مالک خونه‌به‌خونه چند سالی است تیم‌داری می‌کند، ولی موفق به صعود به لیگ برتر نشده است. خونه‌به‌خونه این فصل از هر فصل دیگری به صعود نزدیک‌تر بود و تنها چند گل کم آورد. مالک خونه‌به‌خونه تاکید دارد فدراسیون و برخی رسانه‌ها ازجمله برنامه نود، به نساجی کمک کردند تا این تیم لیگ‌برتری شود. او دراین‌باره به فارس گفت: «شما دقت کنید کل استادیوم در اختیار نساجی بود، حتی مدیرعامل راه‌آهن نیز نتوانست در جایگاه بنشیند؛ مگر می‌شود؟ می‌خواستند با برنامه‌ریزی کارشان را جلو ببرند. در برنامه‌های ورزشی هم متأسفانه به نفع نساجی فعالیت می‌کنند. عادل فردوسی‌پور ۷۰ درصد به صعود نساجی به لیگ برتر کمک کرد و از آن به بعد، در برنامه لیگ یک نیز آقای پوربخش جو را به نفع نساجی تغییر داد. واقعا با این شرایط برای چه سال آینده در لیگ یک بازی کنیم».

اتهامات همیشگی

در هفته‌های پایانی لیگ دسته اول، حرف‌وحدیث زیادی وجود داشت؛ پشت سر همه تیم‌ها حرف بود و هر روز شایعه تبانی شنیده می‌شد. تیم‌ها مرتب به هم اتهام می‌زدند. این روند همچنان ادامه دارد. این در حالی است که دست‌اندرکاران راه‌آهن تأکید دارند با سلامت کامل مقابل نساجی بازی کرده‌اند و توان تیم‌شان همین‌قدر بوده است. علی سامره، سرمربی مس رفسنجان، عنوان کرده خونه‌به‌خونه و نساجی، تیم‌هایی را که مقابل حریفشان بازی می‌کردند، تشویق می‌کردند که نتیجه بگیرند. او روز گذشته به ایسنا گفت: «تیم نساجی و خونه‌به‌خونه به حریفان خود پیشنهاد دادند مقابل تیم دیگر نتیجه بگیرند و به‌جایش یک پول خوب به آنها بدهند. شاید در دنیا این اتفاق رخ دهد، ولی در ایران این چیزها مرسوم نیست و می‌تواند عجیب باشد. متأسفانه من شنیده‌ام برخی تیم‌ها با برخی بازیکنان در طول فصل تماس‌هایی داشته‌اند، ولی این چیزها را نمی‌توان اثبات کرد. فضا در کل جالب نیست. فکر کنید سه روز به بازیکن زنگ می‌زنند و چون بازیکن هم حرفه‌ای نیست، طبعا دچار مشکل می‌شود. بدبختانه برخی رسانه‌ها نیز به‌جای دنبال‌کردن اخبار از سوی منابع موثق، به شایعه‌ها در فضای مجازی توجه می‌کنند». رحمان رضایی، سرمربی برق شیراز، البته این موضوع را رد کرد. در چند سال اخیر همواره لیگ دسته اول ایران با چنین مسائلی روبه‌رو بوده است؛ این‌بار خونه‌به‌خونه، نساجی را متهم کرده است؛ اتهامی که بعید است ثابت شود. مهدی هاشمی‌نسب، مربی تیم فوتبال نساجی قائمشهر، در واکنش به اظهارات مالک خونه‌به‌خونه و سرپرست این تیم درباره نتایج بازی‌های اخیر نساجی گفت: «حتما راست می‌گویند. ما با بادران تبانی کردیم و چهار گل زدیم، تیمی که خودش شانس صعود بود! حتما بادران قید صعود را زد و با ما تبانی کرد! آیا اکسین البرز و راه‌آهن هم تبانی کردند؟ فجرسپاسی و صبای قم هم بازی‌شان تبانی بود؟ مطمئن باشید واژه تبانی از قائمشهر به بیرون درنمی‌آید. آنها باید حرفی بزنند که تماشاگران خود را آرام کنند. اگر خونه‌به‌خونه مدعی صعود به لیگ بود و بازی‌هایش را می‌برد، به خاطر کار دیگران نبود. ما آنجا شبانه‌روز زحمت کشیدیم. می‌توانید از تک‌تک بازیکنان سؤال کنید. قطعا آنها هم همین حرف را می‌زنند».

ادامه از صفحه ۱۰

سخت هوادار مصدق بودم

شعر ـ گاه از خودش، و گاه از عارفان بزرگ ایرانی چون عطار، سنایی، مولانا، و حافظ ـ در فیضانات پرشور شاعرانه از او می‌تراوید. هرگز کسی را چون او سرشار از عشق و چون او شیفته سرمستی‌های غنایی زبان ندیده‌ام. گویی عرفان برای او سرچشمه فیاضی بود که جهان را با امواج شعر آبیاری می‌کرد. چیز زیادی از او نمی‌آموختیم. اما در اقیانوسی از نور، از لمعان، از اشراق‌های ناگهانی و احساسات جوشان شنا می‌کردیم و تر و تازه، شاداب و جوان، پوست‌انداخته و سرشار از نیرویی که لایزال می‌نمود، از آن به در می‌آمدیم.

این روحیات سخت عاطفی، از چاشنی طنزی لطیف و گاه به راستی طعنه‌آلود برخوردار بود. یکبار با او به قم رفتیم. جمعا شش نفر بودیم که در یک اتومبیل امریکایی به هم فشرده می‌شدیم. حکیم الهی در تمام طول راه با نقل حکایات بامزه و لطیفه‌های خنده‌دار، ما را می‌خنداند. غروبگاه، برای نماز توقف کردیم. حکیم سجاده خود را پهن کرد و دست به نمازی گذاشت که یک ساعت طول کشید. من حرکات او را که به جلو می‌آمد، عقب می‌نشست، و رها می‌کرد می‌پاییدم، به جزری می‌ماند که بر می‌خیزد و بر خود می‌لرزد تا سرازیر شود و بر سواحل جوار خداوند بنالد و بموید.

تصویری که از این حکیم دوست‌داشتنی و دلپذیر در من مانده است، تصویر پناهی امن و آرام است. زیرا هرگز ندیدم که سایه‌ای از شک یا اضطراب چهره همیشه خندانش را بساید. اگر علامه طباطبایی تجسم فیلسوفی حکیم بود، حکیم قمشه‌ای مظهر نمونه ازلی عارف عاشق و سالک طریق «بندگی عشق» بود. چهارمین چهره، سیدجلال‌الدین آشتیانی، از همه آنان جوان‌تر بود. سیدجلال‌الدین آشتیانی شاگرد علامه‌طباطبایی و قزوینی بود. هرگز از تحسین فضایل فکری و والای قزوینی فرو نمی‌گذاشت و او را بزرگترین فیلسوف معاصر و ملاصدرای زمانه ما می‌دانست. رابطه من با آشتیانی بسیار روان بود. از آنجا که فاصله سنی‌مان چندان زیاد نبود، می‌توانستیم رابطه‌ای صمیمانه و رفیقانه داشته باشیم. هرازگاه در مشهد به دیدارش می‌شتافتم. در دانشگاه مشهد استاد فلسفه بود. هربار نیز که به پایتخت می‌آمد با یکدیگر دیدار می‌کردیم و یکبار هم در خانه من اقامت کرد. به یاد دارم که در آن دوران درباره روابط هند و اسلام کار می‌کردم و باید فصول‌الحکم ابن عربی را می‌خواندم و می‌فهمیدم. آشتیانی در درک اعماق باورنکردنی این اثر عمده عرفان نظری به من یاری‌ها داد. منظما در خانه یکی از دوستان به دیدارش می‌رفتم. چای می‌نوشیدیم، گپ می‌زدیم، و سپس وقتی به قسمت‌های دشوار کتاب می‌رسیدیم، او آنها را به فارسی برمی‌گرداند و همزمان چنان تفسیرهای عالمانه‌ای به آنها می‌افزود که معانی‌شان را در همه ابعاد می‌گسترد. استادی و احاطه او حیرت‌انگیز بود. همه کنج و کنارهای سنت را ـ از فلسفه ابن‌سینا تا سنت اشراق و تا مکتب ملاصدرا ـ خوب می‌شناخت. همچنین در متون فلسفی گمنامی، که هنوز به شکل نسخه خطی بودند، تبحری عمیق داشت. از آن گذشته برده کار بود. تفسیرها، انتشارات، تصحیح و تنقیح متون پیچیده پشت سر هم از قلم او صادر می‌شدند. هنگامی که کربن طرح عظیم خود را برای تدوین تذکره‌ای از فیلسوفان ایرانی از قرن یازدهم هجری تا زمان معاصر درافکند از آشتیانی دعوت به همکاری کرد. آشتیانی همه وقت و همت خود را وقت این کار کرد و اگر پُرکاری‌اش نبود این طرح هرگز به انجام نمی‌رسید. اگرچه مرگز کربن این طرح را متوقف کرد، بافت کلی اثر به پایان رسیده بود. دو جلد از کتاب منتشر شده، جلد سوم به پایان رسیده و جلد چهارم در دست انجام بود.

از برکت این دیدارهای استثنائی و این دوستی‌های سرشار از عصاره حکمت قدیم ایران، در گذار سالیان خود را از معنویت کشورم می‌انباشتم. باید بگویم که کار من از مقوله اسلام‌شناسی نبود. چنانکه امروز خود را هندشناس نمی‌دانم. آنچه در این دیدارها برایم ارزش داشت، روح و نَفَس و همدمی این بزرگان بود که آن را به من می‌دمیدند. هیچ آرزویی جز فهمیدن نداشتم، زیرا خوب می‌دانستم که شوقی برای آنکه اسلام‌شناس، هندشناس، یا هر چیز دیگری از این دست شوم ندارم. تنها می‌خواستم متفکری آزاد از بند همه تعلقات حرفه‌ای باشم. من در محضر این استادان به امر مهمی پی بردم. همه آنان حکیمانی فرزانه بودند. بدین معنا که شیوه هستی و شیوه معرفت‌شان با هم در هماهنگی و صلح محض بود و هیچ‌گونه گسست یا تناقضی ـ از آن دست که بعدها به نحوی دردناک نزد روشنفکران مان یافتم ـ در آنان ایجاد نمی‌کرد. در برابر این انسان‌هایی که با خود و با جهان در هماهنگی محض بودند، انسان خود را آسوده و امن و همنوا با ضرباهنگ هستی می‌یافت؛ ضرباهنگی که در آداب و رسوم و سنت ما نیز وجود داشته. این قشر ـ که بی‌شک در راه زوال است ـ دیگر در غرب وجود ندارد. در غرب، فضلا و روشنفکران و دانشمندان بسیار برجسته داریم، اما پیر فرزانه نداریم. چراکه در غرب بین عقل و دل فراق افتاده است. و همه‌چیز به فراخ‌تر کردن این شکاف درمان‌ناپذیر میان این دوپاره وجود کمک می‌کند. جوسپه توچی در توصیف این بیماری دل چنین می‌گوید: «غرب کلمه «انتلکتوئل» را سکه زده است. اما آیا می‌توان تصور کرد که انسانی فقط دارای «انتلکت» باشد؟» (سیر و سلوک سبز: اثر علامه طباطبایی، چاپ قم، ۱۳۹۶، صفحه ۳۹۳ تا ۳۹۸)

شایگان و سیاست: سقوط مصدق

... در دو، سه دیداری که با شایگان داشتم، سعی می‌کردم که بعضی از مسائل سیاسی گذشته ـ و روز ـ را مطرح سازم که به طور آشکار از پاسخ دادن خودداری می‌کرد و حتی یکبار گفت: «من در عمرم فردی غیرسیاسی بوده‌ام. مگر در دوران انقلاب که برای مدت یک ماه سیاسی شدم. سیاست اخلاقیات خود و منطق خاص خود را دارد که من لزوما به آنها باور ندارم».اما او در کتابش به مسائل سال ۱۳۲۹ اشاره دارد و می‌گوید: «...دوران ناامنی و بی‌نظمی بزرگ بود و تقریبا هر روز میان پان ایرانیست‌ها، مصدقی‌ها، شاهی‌ها و توده‌ای‌ها گلاویزی و کتک‌کاری در می‌گرفت و هرج‌ومرج واقعی بود».و سپس در پاسخ به این سؤال که «شما هوادار مصدق بودید؟» می‌گوید: «آری! من سخت هوادار مصدق بودم... و سقوط مصدق هم برایم بی نهایت دردناک بود» اما بعدها، شایگان معتقد می‌شود که مصدق در اداره امور ناکارآمد بود و او را مسئول بخش عمده «بدبختی»ها می‌داند و می‌نامد... شایگان این نکته را در سومین دیدار بر من گفت که کتابش ـ زیر آسمان‌های جهان ـ به چاپ رسیده بود... و من باز برای مستندسازی «نقل‌قول»ها، ترجیح می‌دهم که عین پاسخ‌های وی را در این رابطه، از کتابش نقل کنم که به نظرم برای اهل خرد و انصاف در درک حقیقت مسائل آن دوران مفید و ارزشمند باشد: شایگان در پاسخ اینکه: «امروزه درباره تجربه سیاسی مصدق چگونه قضاوت می‌کنید؟» می‌گوید:

«... سقوط مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که به کمک امریکا انجام گرفت، در وجدان ایرانیان شکستگی‌های دردناکی به جا گذاشت که بسیاری از آنان هرگز از آن شفا نیافتند. این زخم باز، پیشداوری‌های بسیاری را نسبت به مشروعیت شاه به وجود آورد. اما واقَعیت آنست که پس از انقلاب با گذشت زمان زخم‌ها جوش خورده‌اند و ایرانیان می‌توانند امروز به آینده بهتر بنگرند. به طوری که می‌توان نوعی بازسنجی وقایع تاریخی و فاصله‌گیری از آنها را نزد بسیاری از ایرانیان ملاحظه کرد.

اما من از خود می‌پرسم که آیا بخش مهمی از مسئولیت این بدبختی برعهده مصدق نبود؟ آیا او خود مسبب و محرک سقوطش نبود؟ او که خود را در بن‌بستی نهاده بود که بیرون شدی از آن وجود نداشت، به یک معنا سرنوشت شهید سیاسی را برای خود رقم زده بود. همیشه لحظه‌ای وجود دارد که هر دولتمردی باید تن به مصالحه دهد، از تنگنا بیرون آید، و طلسم بنیادگرایی را بشکند تا از افتادن در دام گفته‌های خود، از گم کردن حس واقعیت، از کنار کشیدن، و سرانجام، از به بار آوردن شرّ بیشتر جلوگیری کند. گاه تسلیم‌شدن به واقعیت ـ هر قدر هم که دردناک باشد ـ شجاعت بیشتری می‌خواهد تا آنکه انسان به عذر وفادارنبودن به خود تا آخر بر سر حرف خویش باقی بماند. من نسبت به مصدق احساسی مبهم دارم. و از وقتی که خاطرات او را خوانده‌ام این احساس در من تقویت شده است. او در پایان خاطراتش تکه‌هایی طولانی از کتاب مأموریت برای وطنم شاه را نقل می‌کند و، با قراردادن انتقادهای شاه در برابر پاسخ‌های خود، مَی‌کوشد حقانیت سیاست خود را ثابت کند. اما، در واقع، دلایل مصدق نه تنها قانع‌کننده نیستند، بلکه ضعف‌ها، وسواس‌ها، و سدهای فکری او را بیشتر می‌نمایانند». (زیر آسمان‌های جهان، ص ۳۸ و ۳۹)

بدین‌ترتیب شایگان از ورود در مسائل سیاسی گذشته و دوران پس از پیروزی انقلاب طفره می‌رفت! و به وضوح، مایل نبود که وارد این میدان و یا به قول او «معرکه» شود... ترجیح می‌داد که سیاست را به اهلش واگذارد و خود به کار فرهنگی بپردازد و دیدگاه‌های خود را در این قبیل مسائل مطرح سازد که کم‌وکیف آن در آثارش پیداست... و البته اینجانب نیز با توجه به عدم علاقه شایگان به ورود در مسائل سیاسی روز، اخلاقا صحیح نمی‌دانستم که پیرمرد را در «مخمصه» قرار دهم و البته همین اظهارنظر سیاسی و نکته اساسی درباره دکتر مصدق و مسئولیت شخصی او در شکست نهضت، که یک سند و شهادت تاریخی است، مرا بس بود! ...

... شایگان ادعای فیلسوف و عارف‌بودن نداشت ولی در مراحل تکاملی زندگی خود به مدارجی رسیده بود که قابل‌تقدیر و تقدیس بود... و بی‌تردید او مانند دیگران، یک «قدیس» و «معصوم» و یا فردی دور از خطا و اشتباه نبود، اما به موازات اشتباهات خود، جنبه‌های مثبتی نیز در زندگی خود داشت که متأسفانه در زمان حیات و پس از ممات، به آن نکات توجهی نشد و بعضی‌ها فقط به جنبه‌های منفی و نقل «شذوذات» و «شطحات» پرداختند که این داوری همراه با عدل و انصاف نیست و به همین دلیل برای بازگشایی مسئله، من ترجیح دادم که گفته‌های او را به طور مستند از کتاب او نقل کنم تا کسانی که با آن نکات آشنا نیستند، به حقیقت ماجرا پی ببرند و اصولا اگر «ملاک حال فعلی افراد» باشد، دکتر شایگان در این مرحله، نمره مثبتی دارد و شامل آیه شریفه «ان الحسنات یذهبن بالسیئات» هم می‌تواند باشد. اصولا وقتی غفران و رحمت الهی «وسعت کل شیئ»، و شامل همگان ـ منهای اهل شرک ـ است، محروم‌کردن انسانی از این لطف الهی دور از انصاف است.

... با شناختی که اینجانب از شایگان به دست آوردم، بر این باور هستم که شایگان برای دین ساحت والایی را قائل است و معتقد بود که مهم‌ترین بخش آن که برای جهان امروز و نسل سرگردان سخنی برای گفتن ـ و پذیرفته‌شدن دارد، عرفان است، چراکه در آموزه‌ها و روش‌های عملی آن، اموری که موجب دوری و فراری‌شدن افراد می‌گردد؟ وجود ندارد. در واقع این ساحت والا می‌تواند سهم مغفول مانده از زندگی بشری را که مدرنیته یا تجددگرایی باعث آنست، جبران کند و حیات انسانی را به ژرفا و بلندایی برساند که بدون آن زندگی افراد یک زندگی انسانی است و نمی‌توان او را برتر از دیگر موجودات تلقی کرد...

به‌هرحال شایگان اکنون در میان ما نیست و خدای سبحان عفو و رحمت غفران را بر همه کسانی که به سوی او بازگردند وعده داده است... به امید آنکه همگان شامل این رحمت واسعه قرار گیرند.

فوتبال

بیست‌وپنجمین قهرمانی بارسا با هت‌تریک مسی

آتش‌بازی با رکوردها

● هت‌تریک مسی با دبل بارسایی‌ها در بردن جام همراه شد؛ یکشنبه‌شب بارسا در شرایطی در رقابت‌های لالیگا به خانه لاکرونیا، تیم سقوط‌کرده لیگ، سفر کرده بود که با یک پیروزی می‌توانست قهرمانی زودهنگامش در این رقابت‌ها را قطعی کند. این تیم که دلخوش به سطح بالای مسی بود، توانست دست آخر با هنرنمایی ستاره آرژانتینی‌اش که به‌تنهایی سه گل زد به این مهم برسد و در مجموع ۴ بر ۲ تیم لاکرونیا را شکست دهد. این برتری که با هت‌تریک لیونل مسی همراه شد، درمجموع بیست‌وپنجمین قهرمانی بارسا در رقابت‌های لالیگا را رقم زد و این تیم را به دومین جام در این فصل رساند. هم‌تیمی‌های مسی چندی پیش با قهرمانی در جام حذفی اسپانیا اولین جام را دشت کرده بودند.

دبل بارسا در بردن جام‌ها در حالی به دست آمد که کمتر کسی فکرش را می‌کرد این تیم بتواند در ماه آوریل کولاک کند؛ نیمار، یکی از اضلاع اصلی مثلث زهردار بارسا این تیم را ترک کرد و از طرفی باشگاه هم درگیر سیاست‌بازی در ایالت کاتالونیا شد. با این حال هیچ‌کدام از این موارد تأثیری روی روند خیره‌کننده لئو که توانست گل‌های ۳۰، ۳۱ و ۳۲اش را در این فصل لالیگا بزند، نداشت. برد ۴ بر ۲ برابر لاکرونیا که در هفته سی‌وپنجم به دست آمد این تیم را ۸۶ امتیازی کرد و با یک بازی کمتر، اختلافی ۱۱امتیازی با تیم دوم جدول، اتلتیکومادرید به وجود آورد. از آنجا که فقط سه بازی دیگر به پایان رقابت‌های این فصل لالیگا باقی مانده، بقیه نتایج نمی‌تواند تأثیری روی قهرمانی این تیم بگذارد. بارسایی‌ها حالا دلخوش به ثبت یک رکورد دیگر هم هستند؛ آنها که با لیگ‌قهرمانان اروپا وداع کرده‌اند، می‌توانند اولین تیمی باشند که از سال ۱۹۳۰ تا به حال، بدون اینکه شکستی خورده باشند به قهرمانی می‌رسند. این تیم که تا به حال هنوز در لیگ شکست نخورده یک بازی بسیار دشوار روز یکشنبه آینده برابر رئال‌مادرید دارد و امیدوار است رکورد شکست‌ناپذیری‌اش را حفظ کند. «از بقیه رقبایم سرتر بودیم». این را مسی در گزارشی که خبرگزاری فرانسه نوشته، می‌گوید و ادامه می‌دهد: «برای ما لالیگای خاصی است چون هنوز در هیچ مسابقه‌ای شکست نخورده‌ایم. لحظات سختی در لیگ داشته‌ایم ولی توانسته‌ایم از پس آن لحظات بربیاییم و شکست نخوریم. این اتفاق باورنکردنی است».

تشویق ایستاده برای اینیستا

بارسایی‌ها به‌این‌ترتیب برای هشتمین بار دبل کردند و هر دو جام لیگ و حذفی را به دست آوردند و در ۱۰ فصل گذشته هم برای هفتمین‌بار بود که جام قهرمانی را بالای سر می‌بردند. درست است که در این سال‌ها مسی نقش پررنگی در موفقیت این تیم داشته، ولی نباید از تأثیر بسزای آندرس اینیستا، کاپیتان باارزش این تیم، هم گذشت. اینیستا که قرار است در پایان این فصل از بارسا جدا شود سی‌ودومین جام دوران حرفه‌ای‌اش را به دست آورد؛ جام‌هایی که البته به صورت مشترک با لیونل مسی دارد. «دن آندرس» که در این بازی در دقیقه ۸۷ وارد میدان شد با استقبال ویژه تماشاگران در ورزشگاه ریاسور همراه شد و همگی ایستاده، این بازیکن را به پاس لحظات خوبی که برای اسپانیا رقم زده تشویق کردند. اینیستا در صحبت‌هایش با خبرگزاری فرانسه دراین‌باره می‌گوید: «احساس غیرقابل توصیفی دارم. بی‌نهایت قدردان همه پیام‌هایی هستم که بقیه از صمیم قلب برایم می‌فرستند».

رکوردی تازه برای مسی

گل‌های مسی در ورزشگاه ریاسور نه‌تنها منجر به قهرمانی بارسا شد، بلکه برای خود لئو هم رکورد قابل‌توجهی به همراه داشت؛ او در این بازی با سه گلی که زد تعداد گل‌های زده‌اش در لیگ را باز هم بیشتر از ۳۰ گل کرد. به‌این‌ترتیب لئو حالا برای هفتمین‌بار است که موفق می‌شود در طول یک فصل حداقل ۳۰ گل بزند. اولین‌باری که لئو در لیگ تعداد گل‌هایش را از مرز ۳۰ عبور داد مربوط به فصل ۲۰۱۰-۲۰۰۹ است که موفق شد ۳۴ گل بزند. رکورد اصلی‌اش اما مربوط به فصل ۲۰۱۲-۲۰۱۱ است که توانست ۵۰ گل بزند. نکته جالب اینکه از سال ۲۰۰۹ به این طرف فقط دو فصل یعنی فصول ۲۰۱۴-۲۰۱۳ و ۲۰۱۶-۲۰۱۵ بوده که این فوق‌ستاره آرژانتینی نتوانسته در یک فصل از لیگ بیشتر از ۳۰ گل بزند.

برنامه

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت

**فینال جام حذف